

## کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

E\_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E\_mail:

abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۷ مهر ۱۳۸۷، ۸ اکتبر ۲۰۰۸

mansoorfarzad@yahoo.se

سر دبیر: منصور فرزاد



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

# ایسکرا ۴۳۵

## مراسم روز جهانی کودک در پیرانشهر

## « قطعنامه روز جهانی کودک در سندج »



نژادی و قومی و مذهبی یادآور میشود و سپس با اجرای مراسمهای زیبا و بازیهای شاد در پارک خیام روز جهانی کودک گرامی داشته شد و بالاخره در میان شور و اشتیاق کودکان و افراد حاضر مراسم در ساعت ۱ ظهر به پایان رسید.

صفحه ۲

روز جهانی کودک در پیرانشهر از ساعت ۹:۳۰ صبح شروع شد و با راهپیمایی از میدان استقلال تا آزادی شرقی و حمل پلاکاردها و سردادن شعارهایی که حقوق جهانشول کودک را طنین می انداخت و همچنین ارجعیت حقوق کودک را بر هر نوع مصلحت ملی

این دنیا پر از کالا و ثروتی است که حاصل کار و تلاش اکثریت جامعه است اما تنها در انحصار تعداد بسیار اندکی قرار دارد. این دنیا بیگانه با انسانیت است زیرا طبق آمار در هر ثانیه يك کودک در جهان بر اثر نبود غذا و امکانات بهداشتی می میرد، در حالی که این

میلیارد نفر است. در دنیایی زندگی میکنیم که در دنیایی زندگی میکنیم که حکومتها داتما، خودکفایی و رشد نجومی در زمینه های پزشکی و بیوتکنولوژی را به رخ دیگران میکشند، اما کماکان بالغ بر سیصد میلیون کودک از خدمات بهداشتی محروم هستند.

در دنیایی زندگی میکنیم که هر روز سردمداران حاکم حرف از پیشرفتهایی بزرگ در علوم تکنولوژی و صنایعی می زنند که همواره سود های مالتی میلیاردی برایشان به ارمغان می آورد ولی هنوز تعداد کودکانی که در فقر زندگی میکنند بالغ بر يك



صفحه ۶



## برگزاری با شکوه مراسم روز جهانی کودک در سندج

هوراز آغاز شد و بدنبال آن فایق کیخسروی سخنگوی هیئت موسس کانون دنیای شاد برای کودکان به عنوان اولین سخنران این مراسم، ضمن تبریک روز جهانی کودک و خیر مقدم به حضار پیرامون مصائب امروز کودکان به ایراد سخنرانی پرداخت. وی در سخنرانی خود به لزوم توجه بیشتر مردم

صفحه ۶

۵،۳۰ بعد از ظهر ادامه داشت. محیط اجرای مراسم مملو از پلاکاردها و پارچه نوشته هایی از شعارهایی حق طلبانه و انسانی بود. قطعنامه مراسم بزرگ نویسی شده و بر دیوار اطراف مراسم نصب شده بود. مراسم با خوش آمدگویی خانم فلور محمدپور دبیر موسسه

مراسم بزرگ روز جهانی کودک تحت عنوان " جشن با دکنکها " روز ۱۶ مهر ۱۳۸۷ در سندج با استقبال گسترده مردم و با شکوه تمام برگزار شد. در این مراسم که به فراخوان "موسسه هوراز" و "کانون دنیای شاد برای کودکان" سازمان داده شده بود، بیش از ۲۰۰۰ نفر شرکت کردند و به مدت دو ساعت و نیم از ساعت ۳ الی

## مراسم روز جهانی کودک در کرمانشاه و کامیاران

صفحه ۵

## اطلاعیه بمناسبت روز جهانی کودک بهبود وضعیت کودکان همین امروز

هیچگاه در تاریخ جامعه بشری، زندگی کودکان با این همه کمبود، این همه

صفحه ۵

سختی، این همه مصیبت و این همه دوگانگی در کنار کوه عظیمی از ثروت، تمدن و امکانات شگرف برای زندگی

مصاحبه ی . صفائی با بردیا هورام، فعال حقوق بشر و عضو کمیته حمایت از اعتصاب غذا و محمد آسگران از حزب کمونیست کارگری ایران  
صفحه ۳

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## قطعنامه روز جهانی کودک در پیرانشهر



جهان بنا گوشمان، جهانی که ما در آن می‌زییم، جهانی آکنده از نامهربانی و برسمیت نشناختن حقوق انسانی و اجتماعی انسان است. جهانی وارونه که در آن هیچ چیز سرجای خود نیست و حقوق اساسی بشر و منزلت و ارزش انسان در پیوند با معیارهای امروز جامعه بشری نیست. آری شالوده این جهان که میبایست بنیانش بر آزادی و عدالت و صلح جهانی و بیه رسمیت شناختن منزلت ذاتی و حقوق مساوی و غیرقابل انکار همه اعضای بشری باشد، بشدت لرزان است و قطعاً در این بین بیشترین عارضه متوجه آسیب پذیرترین قشر جامعه یعنی کودک می‌گردد. کودکی که امروز نه خانواده نه جامعه آن رسالت تاریخی خود را برای پرورش اصولی علمی و انسانی وی به انجام نرسانیده و در بیشتر جوامع بشری از بی حقوقی کامل و عذاب جسمی و روانی بشدت در رنج است. امن ترین پناهگاهها برای او تبدیل به میدان هجوم و تعرض به جسم و جان و شخصیت و منزلت اجتماعی و انسانی وی گردیده است. کودکی که حتی قادر به اعلام موجودیت و قدعلم کردن در برابر همه این ناملایمات نیست. ما آمده ایم جهت احقاق حقوق ذاتی و انسانی این سرمایه های جامعه بشری در برابر همه این تعارضات و نامهربانیها سینه سپر کنیم. بیه موج توفانی جنبش دفاع از حقوق این قشر آسیب پذیر جامعه بپیوندم. باشد که جهانی کودکانه و انسانی برای

۱- حقوق کودک جهانشمول است و بر هر ملاحظه و منفعت ملی، نژادی، اقتصادی سیاسی و ایدئولوژیک ارجح است.

۲- کودکان باید از همه حقوق و مزایای اجتماعی برخوردار باشند که در جامعه برسمیت شناخته شده و یا موجود است.

۳- آزادی کودکان در برابر عقیده و احساسات و ارزشگذاری به عقاید و افکار آنان

۴- رعایت حقوق هر کودک برای معاشرت و زندگی اجتماعی و ممنوعیت هر نوع جدا سازی و محروم کردن کودکان از محیط اجتماعی و معاشرت با دیگر کودکان

۵- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان زیر ۱۶ سال و پیگیری قاطع و سریع کودکان کار و کودکان خیابانی و پیشگیری از تراژدیها و فجایع جبران ناپذیر

۶- ممنوعیت هر نوع آزار جسمی و روحی کودکان در خانواده، مدارس و موسسات آموزشی و در سطح جامعه به طور کل

۷- ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه و پدرسالارانه با کودکان

دختر در خانواده و نهادها و مؤسسات اجتماعی

۸- تأمین يك زندگی شایسته انسانی برای کودکان دارای نقص بدنی و یا عقلی و فراهم کردن امکانات و تسهیلات لازم برای شرکت فعال آنان در زندگی اجتماعی



جدا از وضعیت خانوادگی شان

۹- مبارزه با اعتیاد کودکان، حمایت کودکان در ترک اعتیاد و مقابله قاطع با عاملین تولید قاچاق و فروش مواد مخدر در بین کودکان

۱۰- داشتن تفریح، بازی، آسایش و استراحت و برخورداری از امکانات مناسب جهت انجام فعالیت های فرهنگی هنری و ورزشی حق مسلم هر کودک می باشد.

۱۱- تأمین بهداشت و سلامتی کودک در بالاترین سطح ممکن و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی رایگان

۱۲- تأمین مسکن مناسب برای همه و بالخصوص برای خانواده هایی که کودک دارند.

۱۳- تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه کودکان و اجباری نمودن تحصیل تا مقطع دیپلم

۱۴- برخورداری از تغذیه مناسب، مکفی و مقوی

**به امید تحقق آرمانهای زیبای انسانی**

**کانون حمایت از حقوق کودکان پیرانشهر**

## مصاحبه با بردیا هورام، فعال حقوق بشر و عضو کمیته حمایت از اعتصاب غذا و محمد آسنگران از حزب کمونیست کارگری ایران

از زمانی که تعدادی از زندانیان سیاسی کرد در ایران اعتصاب غذا کرده اند، بعضی از جریان‌های سیاسی تحت عنوان زندانیان سیاسی کرد از این اعتصاب غذا حمایت کردند. در عین حال جریان‌های دیگری هم نیز منتقد این عنوان و دسته بندی هستند. بطوری که در حال حاضر بحث زندانیان سیاسی یا زندانیان سیاسی کرد مورد مجادله است.

سوال این است که حامیان این بحث چه می‌گویند و چه جوابی برای منتقدین خود دارند و منتقدین چرا مخالف این موضع ( زندانی سیاسی کرد ) هستند؟ آیا تفاوتی ماهوی بین اینها هست؟

بردیا هورام: این مساله دو جنبه ی اساسی دارد که باید بدان توجه شود، یکی جنبه تئوریک بحث و دیگری مساله ای عینی که روزانه و به شکل بسیار برجسته‌ای ما در کردستان با آن مواجهیم.

از لحاظ تئوریک ماهیت حقوق بشر را قواعدی جهانشمول تشکیل میدهد که فرا تر از مرزهای سیاسی، جغرافیایی، ملی و... انسانها را در یک کل واحد به نام "بشر" جا داده و قواعد یکسانی را بر دولتها جهت حمایت از این کل واحد تحمیل مینماید.

اما حقوق بشر در درون این کل واحد به صراحت هر چه تمامتر قابل به تکثر و گوناگونی نیز هست، منبع به رسمیت شناختن این گوناگونی نیز تمایل گروههای انسانست جهت انتخاب هویت سیاسی، فکری، ملی و عقیدتی خود. بنابراین وجود کلیت واحد بشری از دیدگاه حقوق بشر مانع از به رسمیت شناختن هویتی که انسانها خود را بدانها منتصب میدانند نیست و نبوده است. حتی حق انسانها برای برخورداری از هویتی خود خواسته از اصول و مبانی مسلم و تفکیک ناپذیر حقوق بشر است.

هیچ اصل حقوق بشری در نظم کنونی و نرمهای معاصر حقوق بشر وجود ندارد که مانع از انتخاب هویتی شود که انسانها برای زندگی اجتماعی خویش برمیگزینند. حال این هویت اعم است از هویت

سیاسی، ملی، قومی، جنسیتی، دینی و...

در چارچوب حقوق بشر ممانعت از انسانها برای برخورداری از این حق در واقع نقض غرض است و نهایتا به سرکوب و تضییع حقوق بشر خواهد انجامید. پس از لحاظ تئوریک من به هیچ عنوان مشکلی در بر گزیدن "زندانی سیاسی کرد" یا هر عنوان مشابهی ندارم همچنانکه مثلا با عناوینی چون "زندانی سیاسی تورک"، "زندانیان بهایی"، "زندانیان اهل حق"، "زندانیان سیاسی چپ" یا ... نباید داشت.

اما مساله زندانی سیاسی کرد جنبه دیگری هم دارد، از لحاظ تاریخی اگر نگاه کنیم ما در کردستان مساله ای داریم که عمده در چارچوب بحث حق تعیین سرنوشت ملتها مطرح است. مردم کردستان نشان داده اند که جهت بهره مندی از این حق بشری آمادگی دارند و در تمام طول تاریخ مبارزاتی خویش بر آن اصرار ویژه داشته اند. این مساله ای بسیار روشن است که با مراجعه ای سطحی به تاریخ معاصر کردستان دریافت آن مشکل نیست. این خواست مبنای اصلی تبعیضاتی بوده است که حکومتهای پی در پی در مورد کردها اعمال داشته اند. تبعیضاتی که بر ملت کرد روا داشته میشود حتی چارچوب های سیاسی را نیز پشت سر نهاده و تمام عرصه های زندگی اجتماعی را در بر گرفته است.

حال سوال اینجاست که من نوعی فارغ از هر انگ ناسیونالیستی و به عنوان یک فعال حقوق بشر اگر بخواهم به مردمانی که از جنبه حقوق ملیشان مورد سرکوب و اذیت و آزار قرار میگیرند باید با چه عنوانی از آنان دفاع کنم؟ در حالی که این مردمان خود را تحت عنوان هویتی به نام "کرد" نام میبرند، من چگونه میتوانم این حق ابتدایی را از آنان سلب نمایم. آیا امتناع من از به رسمیت شناختن این حق، خود نیز نوعی از سرکوب حقوق بشر آنان نیست؟ آیا اگر این سرکوب کردن زیر نقاب دفاع از حقوق بشر صورت پذیرد، نابخشودنی تر نییاشد؟

اما در مورد زندانیان و بحث اعتصاب، من در هیچ کدام از خواسته های زندانیان کرد چیزی که مبتنی بر امری حقوق بشری نباشد ندیده ام، خواست های این زندانیان مطابق وجدان و تمام استانداردهای معاصر حقوق بشر است. این مساله باید ما را در دفاع از آنان بیشتر ترغیب نماید و مسایل حاشیه ای و غیر حقوق بشری با هدف حمایت هر چه گسترده تر از خواسته های مزبور باید به کنار گذارده شوند.

لطفا فرمائید که چرا « زندانیان سیاسی کرد » و نه تعدادی از زندانیان سیاسی؟

بردیا هورام: از یاد نبریم که این عنوان توسط خود زندانیان انتخاب شده است و من فکر میکنم انتخابی بسیار هوشمندانه نیز هست، چون منظور اصلی زندانیان نه ملیتشان، بلکه توجه دادن افکار عمومی به احکام بسیار سنگینی ست که به آنان در مقایسه با دیگر زندانیان در جرمهای مشابه تعلق میگیرد. دیگر برای تمام فعالان حقوق بشر محرز شده است، ماهیت احکامی که برای فعالین کرد صادر می شود به هیچ عنوان حقوقی نیستند. این احکام از یک منطق سیاسی خطرناک پیروی میکنند نه از مواد قانونی. مسلم شده است که بین رفتار حکومت با زندانیان سیاسی کرد در مقایسه با دیگران تفاوت فاحشی وجود دارد. نکته ای که خود زندانیان قبل از هر کس دیگری آن را درک کرده اند.

محمد آسنگران: قاعدتا باید این سوال را از ابداع کنندگان و مدافعین ترم "زندانی سیاسی کرد" میپرسیدید. اما اجازه بدهید نکاتی را در این زمینة عرض کنم. کسانی که زندانی سیاسی را با اتیکت ملیت، مذهب، نژاد و... تقسیم بندی میکنند علنا دارند اعلام میکنند که به دیگر زندانیان سیاسی توجهی ندارند. تازه این خوشبینانه ترین تفسیر است. کسی که مخالف وجود زندانی سیاسی باشد و از آزادی بیان همه شهروندان دفاع کند همین را میگوید. اما

کسانی که "زندانی سیاسی کرد" را ابداع کرده نشان میدهند با زندانی کردن افراد دیگری که غیر کرد هستند مشکلی ندارند. با این سیاست اولین سنگ تفرقه را در میان زندانیان بنا میکنند. ما مخالف این سیاست تفرقه افکنی هستیم. حزب کمونیست کارگری و فعالین و رهبران این حزب با کمپینها و سازمانهایی که در این زمینه سازمان داده و تلاشهای بسیار وسیعی که برای آزادی همه زندانیان سیاسی انجام داده ایم، شاید بتوان گفت اولین جریان در میان اپوزسیون ایرانی بوده ایم که با تمام قدرت علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی فعالیت کرده ایم.

اما در این مورد خاص فعالیت و تلاشی که تحت عنوان "زندانی سیاسی کرد" صورت میگیرد را نقد کرده و هشدار داده ایم که این حرکتی تفرقه افکنانه و به ضرر زندانیان سیاسی است. کسی که از چنین ترمی استفاده میکند باید به این فکر کند که فردا جریانات دیگری بیایند و اعلام کنند که کمپین "زندانیان سیاسی فارس" زندانیان سیاسی مسلمان، زندانیان سیاسی زنان و .... را مطرح کنند. تصور کنید چه اندازه قبیح و غیر انسانی است که کسانی از "زندانیان سیاسی فارس" حرف بزنند و نه از همه زندانیان سیاسی. این موضوع "زندانی سیاسی کرد" هم باید به همین اندازه شرم آور باشد. نباید اجازه داد که زندانیان سیاسی را تحت عنوان ملیت و مذهب و نژاد و جنسیت و... تقسیم کنند. این ترمینولوژیها به اندازه کافی در جامعه تفرقه ایجاد کرده است. نباید گذاشت جریانات غیر مسئول این تفرقه اندازی را به زندانیان سیاسی هم سرایت بدهند. برای برچیدن این تفرقه اندازها باید تلاش کرد. زندانی سیاسی انسان در بندی است که به جرم ابراز نظر و ابراز عقیده دیگری که مورد پسند حکومت نیست زندانی شده است. حال این فرد چه زبان و رنگ و جنسیتی دارد و یا به چه ملیت و مذهبی منتسب شده است نباید معیاری برای آزادی و دفاع از حقوقش باشد. تاکید ما بر شهروند

بودن و انسان بودن است. انسان با هر عقیده و نظری که دارد يك بار به دنیا میاید و مدت محدودی شانس زندگی کردن دارد. نباید هیچ کس و هیچ حکومتی مانع ابراز نظر شهروندان بشود. به نظر ما انسانی ترین و ارتجاعیترین نظرات هم باید امکان و مجال این را داشته باشند که خود را بیان کنند. طبعاً مخالفین هم حق نقد و بررسی هر نوع نظر و عقیده ای را باید داشته باشند. باید جامعه ای را ساخت که بتوان همه مقدسات را هم نقد کرد. هیچ کس نباید به جرم ابراز نظر به زندان برده شود. این پرنسپ ما است.

چه موضوعی باعث شد که از این جریان حمایت نشده و حتی آن را نقد کرده اند؟

بردیا هورام: ببینید ما در حقوق بشر مساله ای داریم به نام تشدید نقض، این عارضه هنگامی رخ میدهد که کسانی به دلایل اعتقادات خاص خود از شمول دایره ی حمایت خارج میگردند، امریکا در چند سال گذشته به دلیل رفتار متفاوتی که با زندانیان گواتانامو داشته است به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است.

نمونه این امر را در کردستان امروز نیز میتوان به روشنی دید، زندانیان سیاسی کرد به دلیل باورهایشان يك بار از جانب حکومت و مورد مجازات قرار گرفته اند، حال اگر بخواهیم باز به همان دلایلی که حاکمیت به آنها استناد میکند، دفاع از آنان را به کناری بگذاریم آیا قابل توجه است؟

کس یا نهادهایی هم که مسئولیت سنگین دفاع از حقوق بشر را بر عهده خود گذارده اند اما از کنار چنین مساله مهمی بی تفاوت میگذرند، در راستای همان ذهنیت سرکوبگرانه عمل میکنند و حتی بی موضوعیشان نابخشودنی تر است. به نظر ما این سکوت با هر توجیهی و از جانب هر کس و نهادی صورت پذیرد به شدت هر چه تمامتر محکوم است.

محمد آسنگران: همین دلایل بالا که در جواب سوال قبل گفتم به اندازه کافی قانع کننده باید باشد

که این حرکت را نقد کنم. کسی که خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی است به ملیت و ایدئولوژی زندانی نگاه نمی‌کند. زیرا این موضوع روشن است کسانی که جرم ابراز عقیده و یا تلاش برای به کرسی نشاندن سیاست دیگری در مقابل دولت، زندانی شده اند و یا حتی حکم اعدام گرفته اند. تشخیص اینکه نباید این زندانیان را تقسیم بندی ایدئولوژیک کرد و یا نباید مارک ملیت و مذهب و ... را به آنها زد کار سختی نیست و عقل و درک عجبی نمی‌خواهد. اما جریانات ناسیونالیستی حتی از درک این موضوع ساده یا عاجزند و یا عمداً به این تفرقه افکنی دامن می‌زنند. در هر دو حالت باید مورد نقد قرار گیرند و برای آزادی همه زندانیان سیاسی باید اتحاد و همبستگی را تقویت کرد.

*اعتصاب غذای زندانیان سیاسی را در کل چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا این حرکت می‌تواند رژیم را به عقب نشینی وادارد؟ در هر دو مورد لطفاً توضیح بدهید.*

بردیا هورام: زندانیان سیاسی کرد اکنون مدت ۴۰ روز است که در اعتصاب به سر می‌برند. این مساله حد اقل ۸ زندان را فرا گرفته و بیش از ۸۰ زندانی با افکار گوناگون در آن مشارکت دارند. اینکه اعتصابی با این وسعت و دامنه، آنهم در خفقان بسیار شدید کنونی، مساله‌ای بسیار مهم و حتی تاریخیست، در تمام طول تاریخ معاصرمان شاهد چنین حرکت جمعی از سوی زندانیان سیاسی آن هم با خواسته‌هایی مشترک نبوده‌یم. اما اینکه می‌تواند حاکمیت را به عقب براند یا خیر، امری است که زمان اثبات میکند.

محمد آسنگران: من در اصل یک روش اعتصاب غذا به عنوان یک روش مبارزه موافق نیستم و به هیچ کسی اینرا توصیه نمی‌کنم. میدانم در زندان و یا خارج زندان این روش در مقاطعی از جانب قربانیان بکار گرفته شده است. اما این روش هم مثل موارد دیگری باید مورد بررسی و بازبینی قرار گیرد و تلاش کنیم با فرهنگی بالا و مدرن مردم را به مقابله با حاکمان مستبد بکشانیم. روش اعتصاب غذا به دلیل اینکه به جسم و جان قربانی ضرر میرساند روشی نادرست است. قربانی در چنین شرایطی هم از جانب حاکمان تحت

فشار است و هم با روش مبارزه (غذا نخوردن) جسم و روح خود را تحت فشار می‌گذارد. این منصفانه نیست که کسی به قربانی توصیه کند و یا تشویق کند که از جان خود مایه بگذارد. چرا قربانی باید هم محرومیت و زندانی بودن را تحمل کند و هم فداکاری کند و از جان خود مایه بگذارد تا بلکه آزاد شود. اگر ظلمی اتفاق افتاده است و کسی را به جرم ابراز عقیده و نظر زندانی کرده اند باید جامعه به حرکت در بیاید. باید روشهای قدرتمندانه و با اعتماد به نفسی را در جامعه رواج داد.

روش اعتصاب غذا اساساً از یاس و ناامیدی برای پیروزی سرچشمه می‌گیرد. کسی امید به پیروزی و قدرت مردم آزادیخواه داشته باشد به همان مردم متصل می‌شود. روش اعتصاب غذا در حقیقت در شرایطی مطرح می‌شود که قربانی همه راههای دیگر را به روی خود بسته می‌بیند. دچار یاس شده است. نا امید از پیروزی به آزار دادن خود اقدام می‌کند. در حالیکه تمام تلاش جریانات مسئول و انسان دوست باید این باشد که این انسانهای قربانی و در اینجا زندانیان سیاسی در بند را نجات دهند. ما مجاز نیستیم و غیر مسئولانه است که قربانی را یک بار دیگر به قربانی کردن خودش تشویق کنیم. این "فداکاری" نیست. این تلاش برای رهایی جامعه از فاز غیر انسانی به انسانیت نیست. این یک روش چریک بازی و از جان مایه گذاشتن است که قربانی را به آزار دادن خود تشویق می‌کند. در همه جهان باید این روش مورد نقد قرار گیرد. اما در ایران امروز و با حکومت اسلامی که همه میدانیم تا چه حد بیرحم و انسان کش است نباید توقع داشته باشیم با این روش تغییری در سیاستش ایجاد شود. در کشوری که حکومتش برای افکار عمومی جایگاهی قائل است و نمی‌خواهد اسمش و سیاستش مورد نقد و اعتراض قرار گیرد این نوع اقدامات ممکن است حاکمان را به تکاپو بیندازند. اما در جمهوری اسلامی که انسان کشی بخش لایتنجری این حکومت است و کشتن انسان را به امری عادی تبدیل کرده است، نباید انتظار اینرا داشت که گویا برای آبروی خودشان هم شده کاری میکنند. این حکومت اسلام است. این حکومت مذهب و سرمایه با همدیگر است.

این نوع حکومتها را در تاریخ بارها تجربه کرده ایم ارزشی برای انسان قایل نیستند. این حکومتها را فقط باید با قدرت سرنگون کرد.

*چه جریانی پشت این حرکت قرار دارد و چرا تاکنون دستاوردی نداشته است؟*

بردیا هورام: من در مصاحبه های پیشین نیز عنوان نموده ام که حتی در صورت صحت این مساله، نه از اهمیت اعتصاب غذای سراسری زندانیان کرد کاسته می شود و نه چیزی را بر آن می افزاید، نه تعهدی بیشتر از تعهدات حقوق بشری بر شانه ما می‌گذارد و نه ما را از توسل و دفاع از حقوق انسانی این زندانیان بی نیاز می سازد، به گمانم تقویت این ادعا با هدف کم رنگ ساختن خواست های مشروع اعتصاب کنندگان و تلاشی نخ نما با هدف کاستن از اهمیت آن است و فاقد هیچ مستندات یا مبنای منطقی نیست. ما در مقابل این ادعا و جو سازیها، همچنانکه خود زندانیان به روشنی می‌خواهند، قویا متعهد به دفاع از هویت مدنی اعتصاب غذا هستیم.

اما در پاسخ به بخش دوم سؤالتان پیشتر نیز گفتم که این مساله تاریخیست و شکل نوینست از مبارزات مسالمت جوینان مردم کردستان در راستای احقاق حقوق بشر، پا گرفتن این حرکت و میزان بالایی موفقیت زندانیان در پیشبرد آن، خود یک پیروزی بزرگ است که به گمانم اگر فارغ از تعصب و جو سازیهای سیاسی برخی از جریانات به آن نگاه شود، می‌تواند دستاوردهای بزرگی برای جامعه مدنی و مبارزات حقوق بشری ایران داشته باشد.

محمد آسنگران: همه جریانات ناسیونالیستی کرد بعلاوه حمایت چپ سنتی و عموزاده های حزب توده از نوع راه کارگر از این نوع حرکت حمایت کردند. اینها سیاستی غیر مسئولانه و غیر انسانی در قبال زندانیان سیاسی بکار بردند. مردم میدانند که این سیاست تفرقه اندازی را نباید حمایت کنند. برای آزادی این زندانیان سیاسی و همه زندانیان سیاسی مردم به جریاناتی امید می‌بینند که راه اتحاد و همبستگی را نشان میدهد نه تفرقه و چند دستگی. به همین دلیل با چنین سیاست تفرقه افکنانه ای نه مردم تشویق به عملی انسانی میشوند و نه حکومت

احساس فشار میکند. تصور کنید شما متولد تهران و شیراز و تبریز یا دیگر شهرهای غیر کرد نشین هستید و فرد یا افرادی از دوستان و وابستگانتان زندانی سیاسی است. هنگامیکه میشنوید کمپینی برای آزادی زندانیان سیاسی "کرد" راه افتاده است از خودتان سوال نمی‌کنند که پس بقیه چی؟ چرا زندانیان سیاسی را بر اساس ملیتشان جدا کردند؟ قطعاً این سوال پیش می آید و اولین دلسردی و نقد از همین احساس و سوال بحق آغاز میشود. بنابراین کمپینی که مردم با آن احساس نزدیکی نکنند به اقدام خاصی هم وادارشان نمیکند.

*ما وقتی از زندانیان سیاسی نام*

*می‌بریم، منظور همه زندانیانی می‌باشند که با اعتقادات گوناگون در زندان بسر می‌برند... از آیت الله بروجردی که بعنوان منتقد رژیم است بگیرید تا کارگرانی که برای خواسته هایشان زندانی می‌باشند. آیا فکر نمی‌کنید که گروه بندی زندانیان سیاسی کرد باعث نوعی تفرقه بین جنبش زندانیان سیاسی ایران می‌شود؟ چرا باید آقایان طالبانی و بارزانی از این اعتصاب حمایت کنند؟ در حالی که ما در طول مبارزات مردم کرد جایی از رد پای این دو رهبر مشاهده نکرده ایم! بعنوان کسی که شناخت کافی در مورد خلق کرد دارید این موضوع گیری سیاسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟*

بردیا هورام: بله این کاملاً درست است، هیچ جریانی از تقسیم بندی زندانیان سیاسی به گروههای متفاوت نفع نمی برد مگر سرکوبگران حقوق بشر و دشمنان آزادی، تلاش برای ایجاد تفرقه از هر سنخی که باشد محکوم است، اما همچنانکه پیشتر نیز گفتم بحث کنونی این نیست که مثلاً زندانیان کرد بخواهند مسایل متفاوتی از خواست های کلی و سراسری زندانیان طرح کنند، خواسته‌های آنان کاملاً مطابق با خواست کلی زندانیان است و این امر نقطه قوت جنبشی ست که هم اکنون از زندانها رهبری میکنند.

چه کسی می‌تواند باور کند که طرح خواسته‌هایی همچون توقف اجرای حکم اعدام، بهبود شرایط زندانها، دیدار هیئت‌های بی طرف از زندانهای سراسر کشور، اعتراف

حاکمیت به اینکه مدافعان حقوق بشر و منادیان آزادی بیان را به زندانها می افکنند و تقاضای ایجاد اصلاحات اساسی در دستگاه قضایی و خواسته‌های مشابه منجر به تفرقه مابین زندانیان سیاسی شوند. من اتفاقاً بر این نکته تاکید دارم که بر اهمیت این جنبش دیر یا زود کشف میشود و حتی به نوعی هنجار سازی مدنی خواهد انجامید که تمامی زندانیان سیاسی از نتایج آن بهره خواهند برد و چه بسا به دلیل شمار بسیار بالای زندانیان سیاسی کرد، روزی این جنبش سراسری نیز شود.

در جواب قسمت دوم سئوال شما، اولاً من به عنوان فردی آگاه به مسایل کردستان تا بحال ندیدم آقایان بارزانی و طالبانی از اعتصاب غذا حمایت کرده باشند، دوماً اگر قبول داریم که حقوق بشر عرصه انسانی مشترک ماست، هر کسی حق دارد نسبت به نقض حقوق انسانهای دیگر معترض باشد، بسیاری از کشورها نیز نسبت به نقض حقوق بشر در جاهای دیگر مواضع مشخصی اتخاذ میکنند و حتی گزارشات سالیانه میدهند. جمهوری اسلامی هم با این کارنامه حقوق بشری، گهگاه نسبت به نقض حقوق بشر در کشورهای اروپایی بیانیه اعتراضی صادر کرده!!! حالا چرا باید برخی را از این قاعده مستثنی کرد؟ این شخص آقای بارزانی باشد یا خانم فلائی...

در پایان و به دور از تمام حاشیه‌ها وضعیت وخیم زندانیان پس از ۴۰ روز اعتصاب غذا را گوشزد میکنم و هشدار میدهم جامعه حقوق بشری و مدنی ما اگر در انتظار رخ دادن فاجعای انسانی نیست، باید هر چه زودتر وارد عمل شود، زیرا رخ دادن هر فاجعه‌ای از این دست، در چارچوب تعهداتی که جهت حمایت از انسانها بر عهده گرفته‌ایم، باعث ایجاد بحران اخلاقی بزرگی در میان ما خواهد شد، امری که جبران‌ش به سادگی ایی که اکنون گمان میکنیم نیست. امیدوارم که این هشدار جدی گرفته شود.

محمد آسنگران: در مورد بخش اول سؤالتان قبلاً عرض کردم که این سیاست یعنی تقسیم زندانیان سیاسی بر اساس ملیت و یا مذهب و نژاد و جنسیت و... تفرقه افکنانه است. اما چرا طالبانی و بارزانی از این حرکت دفاع کرده اند باید عرض کنم که آنها

## مراسم روز جهانی کودک در کرمانشاه و کامیاران

حضار پخش شد بدین مضمون بود (توضیح: این قطع نامه در صفحه اول همین شماره چاپ شده است.)

ضمن این برنامه برای چهارمین سال است که در شهر کامیاران برگزار میشود. قطع نامه ای که در میان

این برنامه ۱ ساعت به طول انجامید و قطع نامه در پایان برنامه توسط کودک ۹ ساله قرائت شد و مراسم پایان یافت

کودکان و تعداد زیادی خانواده مراسم روز جهانی کودک برگزار گردید و در این مراسم کودکان به بازی و شادی پرداختند که حدوداً

در روز ۱۶ مهر از ساعت ۹ صبح تا ۱۱ مراسم گرامیداشت روز جهانی کودک به میزبانی سازمان بهزیستی کرمانشاه برگزار شد در این مراسم ۱۰۰۰ نفر از کودکان مهد کودکیها و دبستانهای مختلف به همراه خانواده هایشان شرکت کرده بودند کودکان در حالی که صورتهایشان نقاشی شده بود و پلاکاردهایی در دفاع از حقوق خود در دست داشتند به شادی پرداختند در مراسم برشور ها و بیانه ی جمعیت تلاش برای جهان شایسته کودکان و قطعنامه همایش کودکان کار و خیابان به طور گسترده پخش شد گزارش به همراه تصاویر است انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه ۱۶ / ۷ / ۸۷ امروز در تاریخ ۱۷ / ۷ / ۸۷ ساعت ۱۰ صبح حدود ۱۰۰ برگ قطع نامه و حدود ۴۰۰ برگ تراک کودکانه یونیسف در سطح شهر و پارک مولوی کرد با حضور



### زندانی کردن کودکان

این خواستها قابل اجرا و عملی است. امکانات مادی آن در جامعه ثروتمند ایران موجود است، کافی است که بخشی از چپاول ها در جمهوری اسلامی به امر کودکان اختصاص یابد.

اما این خواستها تنها با نیروی فشار ما قابل تحقق است، نجات دهنده کودکانمان تنها نیروی متحد و متشکل خود ماست با برگزاری روز کودک این اتحاد و همبستگی را عمیق تر و گسترده تر کنیم، با برپایی جشن های باشکوه در روز کودک، شادی را به میان کودکان بیاوریم و همزمان امید به تغییر و زندگی بهتر را هر چه بیشتر تقویت کرده و جنبش دفاع از حقوق کودک را به خیابانها بکشانیم. بهبود وضعیت کودکان همین امروز.

نهاد "کودکان مقدمند"

سپتامبر ۲۰۰۸ مهر ۱۳۸۶

۸ اکتبر (۱۶مهر) از جمله در ایران روز جهانی کودک نامیده میشود، باید این روز را در ابعاد هر چه باشکوه تری جشن بگیریم. باید در این روز مساله کودک را به مساله کل جامعه بدل کنیم. باید حول خواستهای روشن و انسانی مان، مردم هر چه بیشتری را گرد آوریم:

- تحصیل رایگان و اجباری برای همه کودکان
- جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش. مدرسه جای فراگیری علم است.
- تامین وسایل آموزشی و دادن یک وعده غذای گرم به همه دانش آموزان
- لغو آپارتاید جنسی کودکان در مدارس
- ممنوعیت هر نوع تنبیه جسمی و روحی در مدارس
- امور پزشکی برای کودکان باید رایگان باشد، در تمامی مدارس باید درمانگاهی مجهز وجود داشته باشد
- تامین زندگی شاد و مرفح برای همه کودکان،
- ممنوعیت اعدام، شکنجه و

هیچ حق و حقوق انسانی را برای کودکان قائل نیست و کلا زندگی کودکان و نوجوانان را با قوانین اش به نابودی کشانده است. در کنار این مصائب میلیونها کودک تنها به دلیل فقر والدین شان خارج از چرخه تحصیلی قرار دارند و مجبورند در سختترین شرایط کار کنند تا کمک خرجی برای خانواده باشند. چندین میلیون کودک نان آور خانه هستند و به شکل وحشیانه ای توسط کارفرمایان استثمار میشوند.

اما در میان این همه سیاهی و مشقات روزنه های امید فراوان است بویژه در ایران جنبش دفاع از حقوق کودکان پرتوان در اعماق جامعه میجوشد که گوشه هایی از آنرا در برگزاری مراسمهای روز کودک و یا جشن هایی برای شادی کودکان، شاهدیم. مدافعین حقوق کودک در این مراسمها نظام سرمایه داری و سیاستهای کودک ستیز جمهوری اسلامی را به نقد می کشند و خواهند زندگی بهتری برای کودکان میشوند.

### ادامه از صفحه ۱ بهبود وضعیت کودکان...

حافظ این نظام در تمامی نقاط دنیا هستند. دولتهایی که بر کاستی ها و شرایط زیستی کودکان کاملاً واقفند و مرگ و میر کودکان را تنها نظاره کنند. در اکثر کشورها کمترین بودجه های دولتی برای زندگی کودکان فراموش شدگان در مبارزه با محرومیتها اجتماعی هستند و همین دولتها بوجود آورنده و استمرار دهنده وضعیت نابسامان فعلی اند.

اما در ایران وضعیت کودکان فاجعه بار است. جمهوری اسلامی در کنار فقر و محرومیت شدید، با قوانین اسلامی و فرهنگ منحطش زندگی را برای کودکان صد چندان دشوار کرده است. دختران نه ساله را بالغ می نامد و حجاب اسلامی بر سرشان میکند. کودکان را اعدام میکنند و یا سالهای سال در سیاهچالهایش زندانی میکنند، آموزش و پرورش را مملو از خرافات و مهملات اسلامی کرده است، کودک را جزو احشام بشمار میاورد و

روبرو نبوده است. هیچگاه همچون امروز زندگی صدها میلیون کودک در سطح جهان با مخاطرات جدی مواجه نبوده است. در قلب این دنیای پیشرفته، کودکان محرومترین بخش این جامعه جهانی هستند. صدها میلیون کودک هر چند که زنده اند اما در بدترین شرایط زیستی بسر میبرند و روزانه هزار هزار از آنان در سکوت پریر میشوند. گرسنگی، بی مسکنی، بی دارویی، کار طاقت فرسا، توهین و تحقیر و فرودستی در جامعه و خانواده، سواستفاده های جسمی و جنسی، جنگ، دست درازی مذاهب و دهها موردی که به چشم دیده نمیشود زندگی کودکان را کاملاً به نابودی کشانده و مرگ دهها کودک در هر دقیقه عمق این فاجعه را نشان میدهد.

مسبب این وضعیت سیستم سرمایه داری و دولتهای



## ادامه قطعنامه روز جهانی کودک

کودکان

۶- سرژرستی کودکان بی سرژرست توسط نهادهای ذیصلاح و قابل بررسی و کنترل و با هزینه و حمایت دولت، مقابله با فرهنگ عقب مانده نگاه به کودکان بدون خانواده به عنوان یتیم و غیره.

۷- حقوق کودک، ایرانی و غیر ایرانی نمی شناسد. کودک ملیت، مذهب و ایدئولوژی ندارد. کودکان موسوم به مهاجر باید از کلیه امکانات شایسته یک زندگی انسانی برای کودکان برخوردار باشد.

۸- ممنوعیت دست اندازی به بدن کودکان زیر پوشش سنت و فرهنگ، ممنوعیت ختنه کودکان.

کمیته برگزاری روز جهانی کودک در سنندج  
موسسه هوراز، کانون دنیای شاد برای کودکان

راهکارهایی برای ایجاد شرایطی جهت بهتر زیستن کودکان، بندهای زیر را به عنوان حداقل خواسته های خویش اعلام می نماید:

۱- تأمین بدون قید و شرط امنیت، آسایش و رفاه کودکان  
۲- توقف فوری هر نوع خشونت علیه کودکان. قانون باید در قبال خشونت علیه کودکان صریح و بی تفسیر باشد.

۳- ممنوعیت اکید کار حرفه ای کودکان

۴- آموزش و پرورش سلامتی و بهداشت رایگان و با استاندارد بالا برای همه کودکان

۵- ممنوعیت اکید هر نوع تنبیه و آزار کودک در خانواده و جامعه. ممنوعیت هر نوع زندانی و شکنجه کودکان. توقف فوری اعدام

مسئله با هزینه ای بسیار اندک قابل پیشگیری است. کودکان زیادی به دلیل فقر و فلاکت روز افزون خانواده ها مجبور به کار میباشوند.

و این همه در حالی است که طبق نظر کارشناسان تنها با یک درصد از درآمد جهانی می توان فقر را به کلی ریشه کن کرد. از این رو ما اعتقاد داریم که با همین امکانات نه تنها می توان و می بایست برای کودکان دنیایی

بهرتر ساخت بلکه می توان به درد و رنج تمامی بشریت پایان داد، آن هم همین امروز.

فعالین و مدافعان حقوق کودک متشکل در کمیته برگزاری روز جهانی کودک در سنندج، در راستای جلب توجه افکار عمومی و ارائه

## ادامه مصاحبه صفائی با ...

به دلیل دوستیشان با جمهوری اسلامی خود راسا چیزی نگفته اند. اما افراد و واحدهای حزبی این دو حزب تحت عنوان اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق سمپاتی به این کمپین نشان داده اند و مواردی حمایت کرده اند. اینکه آنها چرا اینکار را کرده اند به این دلیل ساده که ملت پرستی و قومپرستی فلسفه وجودی این احزاب است. کلمه "کرد" برای ناسیونالیستهای کرد مثل کلمه مذهب است برای مذهبیها. همچنانکه رژیم جمهوری اسلامی از جریانات اسلامی در کشورهای مختلف حمایت میکنند

زندگی میکنند. در حالیکه مسئولین این دو حزب به سرمایه داران بزرگی تبدیل شده اند. فقر و ثروت در کردستان عراق هیچ وقت به این حد نبوده است که اکنون مشاهده میکنیم. علاوه بر این طالبانی و بارزانی علیه نیروهای اپوزیسیون کردستان ایران بارها جمهوری اسلامی را کمک کرده اند. بسیاری از افراد اپوزیسیون که از کردستان ایران به کردستان عراق فرار کرده بودند با همکاری این دو حزب بوسیله جمهوری اسلامی ترور شدند. حتی تعدادی از مسئولین و رهبران حزب دمکرات کردستان ایران در کردستان عراق با همکاری همین احزاب بوسیله تروریستهای رژیم

اینها هم به سیاست همکیشان خود سمپاتی نشان میدهند. اما گفته اید که رد پای از طالبانی و بارزانی در مبارزات مردم کردستان ایران مشاهده نمیکنیم. احتمالاً منظورتان از حمایت از مبارزات مردم است که این درست است. اما رد پای این دو حزب بر علیه منافع مردم کردستان به اندازه کافی وجود دارد. نه تنها رد پای بلکه آشکارا اینها خود را دوست جمهوری اسلامی میدانند. اینها همان مردم کرد در کردستان عراق را به بند کشیده اند. مردم بعد از حدود ۱۸ سال حاکمیت این دو حزب در کردستان عراق هنوز از امکانات اولیه زندگی مانند آب و برق محروم هستند. مردم کردستان با فقر شدید

شکست خوردند. آن دوره بارزانیها به قیاده موقت معروف بودند. مردم کردستان آنها را مزدور رژیم اسلامی میدانستند. به هر حال این موضوع دیگری است. اما فقط خواستم بگویم که سابقه ضدیت این جریانات با مردم کردستان به اندازه طول عمر آنها است. در مورد کمپین "زندانیان سیاسی کرد" هم برای ایجاد تفرقه در میان مردم ایران سمپاتی طالبانی و بارزانی معلوم است به چه سیاستی خدمت میکنند.

با تشکر بیکران از شما عزیزان  
ی. صفائی  
۱۷ اکتبر ۲۰۰۸

کودکان حاضر در مراسم تقدیم شد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران یک بار دیگر به همه کودکان این مراسم و به همه فعالین کودک خسته نباشید میگوید. مراسم شاد و پرشور سنندج یک برگ زرین دیگر به مبارزات حق طلبانه مردم افزود. به امید دنیایی شاد و مرفه برای کودکان و همه احاد جامعه.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ مهر ۱۳۷۸

برنامه بود که حاضرین را تحت تاثیر قرار داده بود.

به دنبال این برنامه ها نوبت به قرائت قطعنامه مراسم رسید. بر اساس گزارش کمیته برگزار کننده آقای نوشاد درزیوری از اعضای هیئت موسس کانون دنیای شاد برای کودکان و عضو کمیته برگزار کننده این مراسم قطعنامه را قرائت نمود. با خواندن بندهای این قطعنامه حضار با کف زدن و ابراز احساسات آنرا تایید و برگزار کنندگان را تشویق میکردند. در پایان این مراسم جوایزی از طرف کمیته برگزار کننده به

حقوق کودکان و زنان و همچنین حضور چشمگیر فعالین کارگری و کارگران کارخانه های نساجی کردستان شاهو پریس نیرو رخس و فرش غرب بافت و سایر مراکز کارگری و نیز اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران مراسم را پرشورتر و امید بخش تر کرده بود. پلاکاردهای تبریک اتحادیه آزاد کارگران ایران در مراسم برجستگی خاصی به مراسم داده بود. اجرای گروه تئاتر موسسه نوا که گوشه هائی از واقعیات تلخ جامعه را به تصویر کشیده بود، بخش دیگری از

## ادامه از صفحه ۱ برگزاری با شکوه مراسم روز ...

پیرامون وضعیت عمومی کودکان و اشاره به بی حقوقیها و ظلم و ستمهایی که به کودکان روا می شود اجرا شد. عبادی همچنین از خدمات خانم سیمین چاپچی به عنوان یک شاعر و نویسنده و فعال کودکان و زنان تجلیل به عمل آورد. در ادامه مراسم، مسابقه نقاشی و نیز گزیم صورت کودکان که شور و شوق خاصی به مراسم داده بود به اجرا درآمد.

حضور جمع کثیری از فعالین

به وضعیت کودکان و مخصوصا کودکان کار و تلاش همگانی برای از بین بردن مشقات و معضلات موجود تاکید کرد. او دفاع از حقوق کودکان را وظیفه همه مردم دانست و تاکید کرد که این حقوق باید به صورت قانون در جامعه جاری شود.

در ادامه مراسم اجرای چند آیتیم موسیقی مسابقه مادران به همراه فرزندان و نیز قرائت مقاله توسط امید عبادی از اعضای موسسه هوراز

# مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!